

بِسْمِ تَعَالَى

گاهنامه سخن نادی

**بازخوانی اصول امام، راه جلوگیری از تحریف مکتب امام
واکاوی ابعاد مختلف تحریف مکتب امام (ره)
و ضرورت مقابله با آن با رویکرد جهاد تبیین**

خرداد ۱۴۰۱

چکیده مطلب:

۱. شخصیت، سبک اندیشه‌ای و مدیریتی امام خمینی (ره)، هم همه‌جانبه بود، هم سیستمیک و منظومه‌ای بود و تنها با توجه همزمان به همه این ابعاد وجودی ایشان است که تصویری دقیق از ایشان شکل می‌گیرد. بنابراین، تلاش برای برجسته‌سازی بُعد و ویژگی خاصی از شخصیت یا اندیشه و سیره امام (ره) و نادیده گرفتن سایر ابعاد شخصیتی، اندیشه‌ای و عملی ایشان، تحریف امام (ره) محسوب می‌شود.

۲. اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی، اتکال به کمک الهی و اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، ضدیت با استبداد و استکبار، اعتقاد به اراده و نیروی مردم (اعتقاد راسخانه به نقش مردم)، مسأله‌ی جاذبه و دافعه‌ی امام، قضاوت بر اساس معیار حال فعلی افراد، تأکید بر حفظ وحدت و اصرار بر سازندگی کشور و تحویل یک نمونه عملی از کشور و جامعه اسلامی به جهان محورهای اصلی خط و مکتب امام می‌باشد.

۳. مهمترین اتهام‌هایی که ضدانقلاب به امام وارد می‌کند، عبارت‌اند از: اتهام یک‌سالاری و انحصارگرایی، اتهام خشونت‌گرایی و برخورد پر شدت با مخالفین و اتخاذ سیاست حذف فیزیکی مخالفین، اتهام قانون‌گریزی و تمسک به اقدامات فراقانونی، اتهام فقدان آزادی‌های مدنی در زمانه امام (ره) و اتهام عوام‌فریبی و سیاست‌ورزی پوپولیستی به حضرت امام (ره). این در حالی است که امام هیچ‌گاه سیاست حذف را در مواجهه‌ی با فعالان سیاسی انتخاب نکرد. تدابیرش معطوف به بهره‌برداری از توان همه نیروهای انقلاب بود. سپردن دولت موقت به بازرگان و موافقت و حمایت همه جانبه از ابوالحسن بنی‌صدر در جایگاه ریاست جمهوری نشان از این سعه صدر امام در بکارگیری همه نیروها بود. پیوند امام با مردم، پیوندی عقیدتی - عاطفی - عقلانی بود و این با پوپولیسم که از جهل مردم سوءاستفاده می‌کند، کاملاً متفاوت است. امام آزادی را «عطیه‌ای الهی» می‌دانستند که نباید از آن برای توطئه علیه امنیت مردم و نظام اسلامی سوء استفاده شود. از این رو، قانون را خط قرمز خود می‌دانستند و با هر نوع بی‌قانونی مقابله می‌کردند.

۴. در همین راستا شبهات دیگری چون اگر امام بود، وضع کشور اکنون اینگونه نبود یا اگر امام بود، با توجه به مشکلات موجود، اجازه مذاکره با آمریکا را می‌داد. در پاسخ باید گفت که اساساً سیره‌ی مدیریتی رهبری تفاوتی با امام ندارد؛ تفاوت در نوع مواجهه رهبری با مسائل مختلف در مقایسه با حضرت امام، به تفاوت در شرایط کشور برمی‌گردد. در مورد مبارزه با آمریکا هم باید گفت که استکبارستیزی امام یک اصل مداوم بود، اما در عین حال، مطلق نبود، بلکه امام با تعیین شرایطی مانند «آدم شدن آمریکا» رابطه با آمریکا را می‌پذیرفت.

بازخوانی اصول امام، راه جلوگیری از تحریف مکتب امام

واکاوی ابعاد مختلف تحریف مکتب امام(ره) و ضرورت مقابله با آن با رویکرد جهاد تبیین

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی):

- «اکثر شامی‌دانید که انگیزه‌هایی برای تحریف شخصیت امام و تحریف انقلاب - که بزرگ‌ترین همنام بزرگوار بود - هست.» (بیانات ۱۳۹۶/۰۳/۱۴)
- «اگر راه امام را کم‌کم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً بکنار بگذاریم، ملت ایران سبلی خواهد خورد.» (بیانات ۱۳۹۴/۰۳/۱۴)

مقدمه

«اولاً آنچه در باب امام و انقلاب - که اینها به هم گره خورده‌اند و یاد امام و نام امام از نام انقلاب جدا نیست - گفته شده است، همه‌ی مسائل مربوط به امام و انقلاب نیست؛ ناگفته‌هایی وجود دارد که باید بمرور در ذهنیت جامعه قرار بگیرد. ثانیاً آنچه هم در باب انقلاب و در باب امام گفته‌اند و گفته‌ایم و تکرار کرده‌ایم، باید مرور بشود، باید مجدداً تکرار بشود؛ چون اگر یک حقیقتی بارها تکرار نشود و با جزئیات و خصوصیات ذکر نشود، گمان تحریف این حقیقت بمرور وجود دارد. ... ما باید تکرار کنیم حقایقی را که در باب امام و در باب انقلاب گفته‌ایم، باز هم بگوییم و تکرار کنیم و مجال تحریف را از تحریف‌کنندگان بگیریم» (بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت امام خمینی (ره)).

سبک اندیشه‌ای و مدیریتی امام خمینی (ره) حاوی نکات و گزاره‌های فراوانی است که در کلیت خود و در ارتباط با هم باید درک شوند. به عبارت دیگر، یکی از ویژگی‌های اندیشه و سبک مدیریتی امام (ره) سیستمیک بودن آن است؛ بدین معنا که امام (ره) همه مسائل را در کنار هم می‌دیدند و نگرش تک بعدی نداشتند؛ برداشت ایشان از شرایط و اوضاع و احوال سیستمیک بود، یعنی اینگونه نبود که فقط مسائل داخلی را ببینند و به مسائل بین‌المللی توجه نداشته باشند یا اینکه به مسائل اقتصادی توجه داشته باشند اما مسائل فرهنگی و غیره را نبینند. امام (ره) یک نگاه اجماعی و همه‌جانبه داشتند. از سوی دیگر، ایشان دارای ابعاد شخصیتی متعددی بودند که از کنار هم قرار گرفتن همه آن ابعاد تصویری از شخصیت ایشان شکل می‌گیرد؛ امام (ره) سیاستمدار، اندیشمند، فقیه، عارف، رهبر سیاسی، فیلسوف و... بودند و تنها با توجه همزمان به همه این ابعاد وجودی ایشان است که تصویری دقیق از ایشان شکل می‌گیرد.

با توجه به آنچه گفته شد، تلاش برای برجسته‌سازی بُعد و ویژگی خاصی از شخصیت یا اندیشه و سیره امام(ره) و نادیده گرفتن سایر ابعاد شخصیتی، اندیشه‌ای و عملی ایشان، تحریف امام(ره) محسوب می‌شود و کاری بس خطرناک است که به تعبیر مقام معظم رهبری «سبب سیلی خوردن ملت ایران» می‌شود. درواقع، امام خمینی سه نقش مهم و اساسی ایدئولوگ بودن، فرمانده عملیات بودن و همچنین معمار و طراح بودن برای نظام سیاسی جدید برآمده از انقلاب را هم‌زمان دارا بودند. از این‌رو، نسخه اصلی و تمام‌نمای انقلاب اسلامی را قبل از هر کس دیگری بایستی در اندیشه‌ها و سیره امام راحل سراغ گرفت. به عبارتی، همانطور که نسخه اصلی هر راه و برنامه‌ای در نزد معمار و طراح آن راه و برنامه قرار دارد و اجراکنندگان آن برنامه برای آنکه در اجرا با خلل یا انحرافی مواجه نشوند، مجبورند که پیوسته به آن نسخه اصلی و آن نقشه راه توجه داشته باشند و آن را الگو و سرمشق برنامه‌ریزی و عملیات خود قرار دهند، در مورد انقلاب اسلامی نیز اینگونه حالتی برای اندیشه‌ها و سیره امام متصور است. اهمیت این امر نیز از آنجا ناشی می‌شود که با تاسی از این الگوی پیشرو می‌توانیم نقاط قوت و ضعف خود را تشخیص دهیم و در این صورت با تشخیص نقاط ضعف و همچنین تلاش برای حل و رفع آنها، با اطمینان بیشتری نسبت به آینده و تحقق آرمان‌های بلند مورد نظر امام راحل قدم برداریم.

از این جهت، بسیار واضح است که اگر از این خط و از این راه منحرف شویم و از آن فاصله بگیریم، دچار خسران عظیمی خواهیم بود. اهمیت این امر وقتی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم، اندیشه‌ها و آرمان‌های امام راحل، اندیشه‌ها و آرمان‌هایی فرازمانی و فرامکانی هستند که هر چه زمان بیشتر بگذرد نه تنها از اهمیت آنها کاسته نمی‌شود، بلکه کارآمدی آنها بیشتر روشن می‌شود. از این‌رو، می‌بایست با توجه و درک موازین اندیشه‌ای امام(ره) و همچنین بکارگیری هنر و توان خود در سازندگی، کوشید تا نظام اسلامی همچنان به راه سراسر عزت، اقتدار، شرافت و سعادت خود ادامه دهد.

نکته مهم دیگر اینکه میان ابعاد شخصیتی امام(ره) و میان عمل و اندیشه امام(ره) رابطه متقابل وجود داشت، بدین معنا که عمل امام(ره)، اندیشه امام(ره) را هم شکوفا می‌کرد. تابع شرایط، جوهر اندیشه امام(ره) روشن می‌شد؛ همانگونه که عمل امام اندیشه پایه بود، عمل ایشان هم وجوه ناشناخته اندیشه‌های ایشان را آشکار می‌ساخت. بنابراین، برای شناخت صحیح امام(ره) و همچنین برای اینکه در استناد به سیره و اندیشه امام(ره) دچار تحریف(اعم از غلو یا تقلیل‌گرایی) نشویم شناخت صحیح از خط و اندیشه امام(ره) ضروری به نظر می‌رسد. این موضوع بویژه از آن‌رو اهمیت دارد که با توجه به مشکلات اقتصادی موجود در جامعه، هر طیف و گروهی می‌کوشد تا به اقتضای شرایط و موضوع‌های مبتلابه، قرائت

دل خواه خود از امام(ره) را ارائه دهد و از سویی، ضدانقلاب نیز می‌کوشد تا مشکلات موجود را به اندیشه و مکتب امام نسبت دهد. برای این منظور هم بهتر و شایسته‌تر آن است که امام را از زبان یکی از بزرگترین شاگردان مکتب و رهروان حقیقی راه امام، یعنی مقام معظم رهبری مورد شناسایی قرار دهیم.

شاخص‌های خط امام(ره) از منظر مقام معظم رهبری

خط امام(ره) به معنای چارچوب و اصول کلی حاکم بر اندیشه و سیره عملی امام می‌باشد. در واقع، خط به مثابه چارچوبی است که وقتی در ارتباط با یک اندیشمند یا رهبر سیاسی از خط فکری یا خط سیاسی وی بحث می‌شود، منظور همان چارچوب کلی حاکم بر اندیشه یا سیره سیاسی وی است که به عنوان آبشخور و پشتوانه سایر حوزه‌های فکری و عملی وی محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری در تعریف خط امام(ره) می‌فرماید: «خط امام، یعنی آن مسلک و سلوک حکومتی امام امت. یعنی چیزی که تفسیرکننده نظام جمهوری اسلامی است.»^۱

به بیان دیگر، از آنجا که منظومه فکری و سیره عملی امام(ره) دارای مبنای واحد(مبتنی بر بینش توحیدی) و همچنین دارای ساختاربندی و مفصل‌بندی مناسب در ارتباط با مسائل روز جامعه و جهان هستند، می‌توان از آن منظومه و سیره به عنوان یک مکتب نظری و عملی نام برد که در اینجا از آن تعبیر به خط امام(ره) می‌شود. مهمترین خصوصیات، ویژگی‌ها و اصول حاکم بر خط امام(ره) از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از:

۱. اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی

اسلام آمریکایی به عنوان اسلام سکولارها و متحجرین، نقطه مقابل اسلام ناب محمدی از دیدگاه امام خمینی(ره) محسوب می‌شود.^۲ از این رو، ایشان در کنار تلاش برای اثبات اسلام ناب محمدی، اسلام آمریکایی را نفی و طرد می‌کردند. از دیدگاه مقام معظم رهبری، «اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله‌ی اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنجدیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکائی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکائی، یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل

۱. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)، ۱۴/۰۳/۷۱

۲. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۴

دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه‌ی اینها می‌سازد. این اسلام را امام‌نامگذاری کرد: اسلام آمریکائی.»^۳

درواقع، برخورداری از ویژگی‌هایی (بویژه در ارتباط با دسته دوم، یعنی متحجرین) چون مقدس‌نمایی، قشری‌نگری و سطحی‌نگری، عوام‌گرایی و عوام‌زدگی، نگاه ابزاری به دین، کم‌توجهی به تفکر و تعقل، تنگ‌نظری و واپس‌گرایی، کج‌اندیشی و کم‌فهمی، عدم توجه و درک صحیح نسبت به نقش زمان و مکان در اجتهاد و مسائل مستحدثه و... سبب شده بود که امام(ره) در مبارزه با مصادیق این نگرش‌ها، که در تفکر وهابی‌گری، اخباری‌گری، انجمن حجّیه و... بروز و ظهور یافته بود، اهتمام داشته باشند. امام در منشور روحانیت، ضمن اینکه به خدمات روحانیون در ابعاد مختلف در طول تاریخ اشاره می‌کند، از مسئله تلخی با عنوان تحجر یاد می‌کند. در یکی از عبارات امام خمینی تصریح شده که انقلاب اسلامی آمده تا با انحرافات درون اسلام مقابله کند، بخش اعظم این انحراف مربوط به سنت اخباری‌گری در جهان تشیع است. بر اساس این سنت و نگاه از منابع چهارگانه‌ای که می‌شود به آن رجوع کرد؛ سه منبع کتاب و اجماع و عقل رخت برمی‌بندد و صرفاً منبع سنت با نگرشی‌گزینشی برجسته می‌شود. امام در منشور روحانیت درباره متحجران عبارت‌هایی چون «مارهای خوش خط و خال، ولایتی‌های دیروز، مدعیان امروز» و... بکار می‌برند. ایشان به صراحت از «انجمن حجّیه» نام می‌برند و اشاره می‌کنند که این گروه مخالف فلسفه و عرفان هستند. امام درباره متحجران فرموده‌اند خون دلی که پدر پیرتان از این گروه خورده هرگز از فشارها و گروه‌های دیگر نخورده است.

از سوی دیگر، امام(ره) با تلاش در جهت معرفی اسلام به عنوان دینی کامل که برای همه عرصه‌های زندگی بشر برنامه دارد و تأکید بر اینکه دین و سیاست از همدیگر جدا نبوده و دینداری با خردورزی، معضل‌گشایی و... قابل جمع است، به رویارویی با سکولاریسم پرداختند. به عبارت دیگر، قائل شدن نقشی برجسته برای عقل و عقلانیت در فهم دین و اداره جامعه، به گونه‌ای که هم به قشری‌نگری و سطحی‌نگری منجر نشود و هم از روح و جوهره اصلی اسلام فاصله نداشته باشد و مهمتر اینکه باعث پیشبرد امور فردی و اجتماعی و بسامانی امر سیاست و حکومت اسلامی شود، از جمله مهمترین ابتکار عمل‌ها و نوآوری‌های امام(ره) است که از یک سو باعث مبارزه با متحجرین و واپس‌گرایان شد و از سوی دیگر از توجه به شرایط زمان و مکان و پیشبرد امور حکومت اسلامی بازماند.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹/۰۳/۱۴

در واقع، امام(ره) با خردورزی خاص خودشان، که برگرفته از فقه اصیل جواهری بود، در عین اینکه شخصیتی چندبعدی داشت و به مسائل مختلف توجه داشتند، تصویری از اسلام و مسلمانی ارائه دادند که از یک سو از کج‌اندیشی‌ها و قشری‌نگری‌های اهل تحجر به دور بود و از سوی دیگر، از تفریط‌گری‌ها و غلتیدن در دامان سکولاریسم روشنفکران نیز مصون بود. از این رو، اسلام امام(ره) مبتنی بر درک شرایط زمان و مکان و مسائل مستحدثه و فاقد هرگونه بن‌بست برای حل معضلات جامعه بود و از این جهت، الگویی شد برای تمامی حق‌طلبانی که به دنبال یافتن الگویی مطلوب از تلفیق دینت و سیاست می‌گشتند و در عین حال، پاسخ محکمی به کسان و قدرت‌هایی دادند که سال‌ها این تفکر مسموم را در دنیا و از جمله جهان اسلام ترویج می‌کردند که دین ناتوان از اداره جامعه و حکومت و همچنین ناتوان از پیشبرد امور سیاسی و اجتماعی است. بنابراین، اسلام ناب محمدی، که امام(ره) مروج آن بودند، در شرایط کنونی نیز در نقطه مقابل افراط‌گرایی‌های گروهک‌هایی (با نگاه تحجرآمیز به دین) مانند داعش و همچنین تفریط‌گری‌های روشنفکران مروج سکولاریسم در جهان اسلام و حتی در کشور خودمان، که به مثابه دو لبه یک قیچی درصدد اضمحلال، تجزیه و نابودی مبانی دینی و هویتی اصیل ما می‌باشند، قرار دارد.

حاصل سخن این‌که اسلام ناب از دیدگاه امام، اسلام متکی به کتاب و سنت است که با فکر روشن، با آشنایی با زمان و مکان، با شیوه و متد علمی جافتاده و تکمیل‌شده در حوزه‌های علمیه، استنباط می‌شود و به دست می‌آید. البته مشخص است که هرکسی هم که آن متد را بلد است، قادر نیست؛ باید فکر روشن داشته باشد، باید آشنا با زمان و مکان باشد، باید نیازهای بالفعل جوامع بشری و جوامع اسلامی را بشناسد، باید دشمن را بشناسد، نحوه دشمنی‌های او را بداند، آن وقت می‌تواند اسلام ناب را مشخص کند و بشناسد و بشناساند.^۴

۲. اتکال به کمک الهی و اعتماد به صدق وعده‌ی الهی

امام(ره) در سرتاسر حیات، حرکت و نهضت خود همواره برای خدا حرکت کردند، به گونه‌ای که همین توجه و اتکال به خدا را می‌توان مهمترین بُعد شخصیتی و مهمترین شاخص خط امام دانست. از این رو، ایشان در دوران حیات و مبارزات خویش و حتی در دوره زعامت‌شان، بدون توجه به ملاحظات ابرقدرت‌ها و موانع ظاهری و مادی، صرفاً برای رضایت خدا و با اتکال به وی، قدم برداشتند. مقام معظم رهبری درباره این ویژگی مهم خط امام می‌فرمایند:

۴. همان

«یک شاخص دیگر در مشی امام و خط امام که خیلی مهم است، مسأله‌ی محاسبات معنوی و الهی است. امام در تصمیم‌گیری‌های خود، در تدابیر خود، محاسبات معنوی را در درجه‌ی اول قرار می‌داد. یعنی چه؟ یعنی انسان برای هر کاری که می‌خواهد بکند، در درجه‌ی اول هدفش کسب رضای الهی باشد؛ کسب پیروزی نباشد، به دست گرفتن قدرت نباشد، کسب و جاهت پیش زید و عمرو نباشد. هدف اول، رضای الهی باشد. این یک. بعد هم به وعده‌ی الهی اطمینان و اعتماد داشته باشد. وقتی انسان هدفش رضای خدا بود، به وعده‌ی الهی هم اعتماد و اطمینان داشت، آن وقت دیگر یأس معنا ندارد، ترس معنا ندارد، غفلت معنا ندارد، غرور معنا ندارد. امام آن وقتی که تنها بود، مبتلای به ترس نشد، مبتلای به یأس نشد؛ آن وقتی هم که همه‌ی ملت ایران یکصدا نام او را فریاد زدند، بلکه ملتهای دیگر هم به او عشق ورزیدند و این را ابراز کردند، دچار غرور نشد. آن وقتی که خرمشهر به وسیله‌ی متجاوزین عراقی از دست رفت، امام مأیوس نشد؛ آن وقتی هم که خرمشهر را رزمندگان ما با دلاوری و فداکاری خود گرفتند، امام مغرور نشد؛ فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد»؛ یعنی ما هیچ‌کاره‌ایم. در همه‌ی حوادث گوناگون دوران زعامت آن بزرگوار، امام همین‌جور بود. آن وقتی که تنها بود، وحشت نکرد؛ آن وقتی که غلبه و قدرت با او بود، مغرور نشد؛ غفلت هم نکرد. این اعتماد به خداست. وقتی رضای خدا بود، قضیه این است.»^۹

۳. ضدیت با استبداد و استکبار

ضدیت با استبداد و استکبار یکی دیگر از شاخص‌های مکتب فکری امام و خط امام محسوب می‌شود. امام (ره) به همان میزانی که با استبداد داخلی مبارزه می‌کردند و نسبت بدان اهمیت می‌دادند، به مبارزه با استکبار نیز اهمیت می‌دادند. ایشان در طول دوران مبارزاتی خود به این دو به موازات هم اهمیت می‌دادند. به عنوان مثال، ایشان در سخنرانی خود در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲، با اشاره به اینکه ساواک به برخی علما و اهل منبر گوشزد کرده بود که در منابر هر چه می‌خواهند بگویند جز این سه؛ «یکی شاه را کار نداشته باشید، یکی هم اسرائیل را کار نداشته باشید، یکی هم نگوید دین در خطر است» همه گرفتاری‌ها را متوجه این سه دانستند و فرمودند که خوب اگر این سه تا امر را ما کنار بگذاریم، دیگر چه بگوییم؟! ما هر چه گرفتاری داریم از این سه تا است. ایشان سپس در ادامه به افشاگری علیه اسرائیل پرداختند و تأکید کردند:

۹. همان

«اسرائیل نمی خواهد در این مملکت دانشمند باشد، اسرائیل نمی خواهد در این مملکت قرآن باشد؛ اسرائیل نمی خواهد در این مملکت علمای دین باشند؛ اسرائیل نمی خواهد در این مملکت احکام اسلام باشد. اسرائیل به دعوت عمال سیاه خود، مدرسه (فیضیه قم و طالبیه تبریز) را کوبید. ما را می کوبند، شما ملت را می کوبند. می خواهد اقتصاد شما را قبضه کند؛ می خواهد زراعت و تجارت شما را از بین ببرد؛ می خواهد در این مملکت، دارای ثروتی نباشد، ثروتها را تصاحب کند به دست عمال خود. این چیزهایی که مانع هستند، چیزهایی که سد راه هستند، این سدها را می شکند؛ قرآن سد راه است، باید شکسته شود؛ روحانیت سد راه است، باید شکسته شود؛ مدرسه فیضیه سد راه است، باید خراب شود؛ طلاب علوم دینی ممکن است بعدها سد راه بشوند، باید از پشت بام بیفتند، باید سر و دست آنها شکسته شود برای اینکه اسرائیل به منافع خودش برسد؛ دولت ما به تبعیت اسرائیل به ما اهانت می کند.»^۶

امام (ره) در مراحل بعدی مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به این مهم توجه داشتند. در واقع، امام علاوه بر مبارزه با استبداد داخلی و برانداختن آن، یکی از اهداف انقلاب اسلامی را قطع دست اجانب از مملکت اسلامی، قطع ریشه‌های وابستگی، رفع سلطه و ضعف و سستی و زبونی در مقابل استعمار، جلوگیری از استثمار و استعباد و قطع منافع و مطامع استعمارگران می دانستند. امام خمینی ضمن تأکید بر ماهیت ضداستعماری نهضت، هدف انقلاب اسلامی را خارج شدن از مدار وابستگی به کشورهای امپریالیست و در نهایت شکست ابرقدرت‌ها می داند. در این رابطه، حضرت امام بر کوتاه کردن دست جنایتکاران خارجی و به‌انزواکشاندن قدرت‌های استعماری در جهان و نیز مقابله با ایادی منطقه‌ای امپریالیسم به‌ویژه صهیونیسم تأکید بسیاری دارند.^۷

۴. اعتقاد به اراده و نیروی مردم (اعتقاد راسخانه به نقش مردم)

از دیدگاه امام خمینی (ره) اعتقاد به درون‌زایی، اتکا به درون و اولویت قائل شدن برای استعدادها و ظرفیت‌های نهفته درونی جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع، چه پیش از انقلاب و چه بعد از انقلاب، ایشان بر اتکای به مردم و ترویج خودباوری و قابل اتکا بودن نیروهای درونی تأکید ویژه‌ای داشتند، به گونه‌ای که می‌توان گفت ایشان در زمینه اداره کشور و حل و فصل مشکلات و در مجموع، پیشرفت و توسعه‌ی

۶. بیانات امام خمینی (ره) در ۱۳ خرداد (عاشورای) ۱۳۴۲

۷. صحیفه امام (ره)، ج ۱۴، ص ۱۳۵

اقتصادی و اجتماعی کشور، نگاهی مبتنی بر اعتماد و شکوفایی استعدادهای درونی داشتند. امام(ره) در این راستا معتقد بودند که «عمده این است که ما باور کنیم که خودمان می‌توانیم.» به عبارت دقیق‌تر، اگر در کنار توفیقات الهی، نبود این اعتقاد راسخ به نقش مردم و این اعتماد و اتکا به نیروهای درونی و بومی نزد امام(ره)، که اساساً نهضتی و انقلابی در ایران شکل نمی‌گرفت؛ زیرا در شرایط دوقطبی جهان در آن زمان، این تصور بر دنیا حاکم بود که هیچ تحولی نتیجه نخواهد داد، مگر در وابستگی به یکی از آن دو بلوک قدرت شرق و غرب. امام(ره) نه تنها به این قاعده‌مندی ظاهری اعتقاد نداشتند و آن را مانعی برای تحقق آرمان‌های خویش ندیدند، بلکه با تکیه بر الطاف الهی و با به حرکت درآوردن نیروهای مردمی بود که نهضت خود را شروع کردند و به پیروزی رساندند.

امام(ره) در حیطه عمل و در مواجهه با مسائل مختلف به جای اتکا به طناب پوسیده بیرونی، به درون‌زایی و اتکا به درون توجه داشتند و در همین راستا، تأکید فراوانی بر حفظ وحدت داشتند. به گونه‌ای که در مسأله مهمی مانند جنگ تحمیلی نیز امام(ره) به راهبرد بسیج گسترده مردمی روی آوردند و در مسائل مهمی مانند انتخابات و... نیز همواره به حضور مردم در صحنه تأکید داشتند که همه این موارد بیانگر توجه ویژه ایشان به درون می‌باشد. در واقع، امام(ره) برای نیروهای بومی جامعه عاملیت مهمی قائل بودند و معتقد بودند که سرنوشت کشور تنها به دست خود ما تعیین می‌شود. ایشان در این زمینه همواره تأکید داشتند که بدون وابستگی به شرق و غرب و با اتکال به اسلام و حفظ وحدت کلمه نهضت را به پیش ببرید. ایشان در فرازی دیگر می‌فرمایند: «فرزندان عزیزم! دیگر این شماست که باید هر چه بیشتر کوشش کنید تا نهال آزادی و استقلال کشور را آبیاری کنید.» یا اینکه فرمودند که مملکت مملکت خودمان است، خودمان هم باید آبادش کنیم. اهمیت این موضوع نزد امام(ره) به اندازه‌ای است که ایشان حتی در وصیت‌نامه سیاسی الهی‌شان نیز در چند مورد به اهمیت و ضرورت این موضوع اشاره داشته‌اند.

در مجموع، امام خمینی(ره)، با تاسی به این منطق قرآنی که تغییر سرنوشت ملت‌ها را در گرو تغییر در احوالات درونی آنها می‌داند، تعیین سرنوشت جامعه را تنها توسط خود مردم ممکن می‌دانستند و از این جهت، ایشان نه تنها در حیطه اندیشه برای مردم و نیروهای درونی جامعه نقش بی‌بدیل قائل بودند، بلکه در مواجهه با مسائل مختلف نیز همواره به ورود مردم به صحنه و استفاده از ظرفیت‌های بی‌شمار نهفته در آنها تأکید داشتند. منظور اینست که در کنار خدامحوری، مردم‌محوری و اعتقاد به نقش و جایگاه تعیین‌کننده نیروهای درونی جامعه نزد امام(ره) از اهمیت بالایی برخوردار بود. همین مسأله سبب شده بود که ایشان به جای توجه به بیرون و استفاده از راهکارهای بیرونی برای حل مسائل جامعه، به رویکردی

مبتنی بر استفاده از ظرفیت‌های بالقوه درونی و شکوفایی آنها توجه داشته باشند و الگوهای موفق را در حوزه های مهمی مانند بسیج، امنیت پایدار، حفظ استقلال، تشکیل نیروهای مسلح برآمده از متن مردم و... به جهانیان ارائه دهند.

۵. توجه به حفظ استقلال کشور و ردّ سلطه‌پذیری

استقلال و در مقابل آن سلطه‌پذیری، از جمله مفاهیمی هستند که در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... دارای مصداق می‌باشند. ضمن اینکه همه این ابعاد و مصادیق در اندیشه و سیره عملی امام خمینی (ره) حائز اهمیت بودند، اما در این خصوص امام به یک نوع اولویت‌بندی و رتبه‌بندی قائل بودند؛ بدین معنا که از میان ابعاد و مصادیق گوناگون استقلال، آنچه برای امام اهمیت و اولویت داشت، استقلال در بعد فکری و فرهنگی و هویتی بود. در واقع، امام خمینی (ره) از آغاز مبارزات از خودبیگانگی و مرعوب شدن در برابر تبلیغات پر طمطراق بیگانگان را موجب نفی هویت جمعی می‌دانستند و بر آن بودند که مرعوب شدن در برابر فرهنگ و ارداتی زمینه فقدان استقلال در موضوعات دیگر را نیز شامل می‌شود. از دیدگاه ایشان بزرگترین مؤلفه‌ای که می‌تواند جامعه‌ای بزرگ از انسانها را با هویتی واحد گرد هم آورد و تمایزات موهوم میان آنان را شکسته و نابود سازد، مؤلفه باور و اعتقادات دینی است؛ تعالیم اسلامی از سویی مرزهای مختلف سیاسی، نژادی و زبانی را در می‌نوردد و از آنها فراتر می‌رود و از سویی دیگر افزون بر اتصال به وحی الهی دارای تاریخی روشن و پر افتخار است که توجه به آن می‌تواند هویت فردی و جمعی جوامع مسلمان را به بهترین شکل تأمین و تعریف کند. امام در این خصوص فرمودند: «هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا بکند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که ملت‌ها خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشانند، استقلال نمی‌توانند پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. همچو غرب در نظر یک قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می‌کنند غیر از غرب هیچ خبری در هیچ جا نیست. و این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج، منشأ اکثر بدبختی‌های ملت‌هاست و ملت ماست.»^۸

امام (ره) همچنین، استقلال در بعد اقتصادی را لازمه تقویت استقلال فرهنگی - هویتی می‌دانستند و بر آن بودند که برای هر ملتی که آرزو دارد با درک هویت خویش و خودباوری و خودآگاهی، آزادانه و

کریمانه زندگی کند ضروری است که راه‌های وابستگی اقتصادی به قدرت‌های سلطه‌جو را ببندد و با تکیه بر منابع طبیعی و انسانی خویش نیازهای اساسی‌اش را به دست خویش فراهم آورد. به بیان دقیق‌تر، از نگاه امام کشوری که در نیازهای اساسی و ارزاق عمومی‌اش وابسته به دیگران باشد خواسته یا ناخواسته به لحاظ سیاسی و فرهنگی نیز به اسارت آنها در خواهد آمد.^۹

نکته مهم در این خصوص این است که در شرایط کنونی که عده‌ای به بهانه جهانی شدن و... تلاش می‌کنند اهمیت عنصر استقلال، خوداتکایی و... را ناچیز جلوه دهند و با این توجیه که در عصر جهانی شدن استقلال دیگر معنای چندانی ندارد، می‌کوشند نسبت به عنصر استقلال کم توجهی شود، توجه و دقت در مفهوم و مصادیق استقلال از دیدگاه حضرت امام حائز اهمیت و مانع کج‌روی و انحراف خواهد بود. در این باره مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «متأسفانه کسانی هستند که تئوری‌سازی می‌کنند برای نفی استقلال کشور، استقلال را گاهی به انزوا معنا می‌کنند، گاهی به این عنوان که امروز استقلال کشورها یک ارزش به حساب نمی‌آید، قلم‌زنی می‌کنند و حرف می‌زنند؛ این حرفها هم در بین جامعه پخش می‌شود. کسانی این جور حرکت میکنند. این یک غلط بزرگ، یک خطای بسیار مهم و خطرناک است.»

۶. مسأله‌ی جاذبه و دافعه‌ی امام

داشتن قدرت جاذبه مناسب و در مقابل آن دافعه مناسب، از جمله ویژگی‌های انسان‌های متعالی است؛ زیرا انسانی که سراسر جاذبه یا سراسر دافعه باشد در ارتباط با دیگران و در عمل به حق دچار مشکل می‌باشد. از این رو در میان نسبت‌های مختلفی که در بحث جاذبه و دافعه مطرح است، مناسب‌ترین حالت آن است که فرد جاذبه و دافعه اصولی داشته باشد. بر این اساس، امام خمینی (ره) از جمله شخصیت‌هایی هستند که هم جاذبه و هم دافعه اصولی و مبنایی داشتند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«آنچه که مینا و معیار جاذبه‌ی امام و دافعه‌ی امام بود، باز مکتب بود، اسلام بود... امام... دشمنی شخصی با کسی نداشت. اگر کدورت‌های شخصی‌ای هم بود، امام زیر پا می‌گذاشت؛ اما دشمنی به خاطر مکتب، برای امام بسیار جدی بود. همان امامی که از اول شروع نهضت در سال ۱۳۴۱ روی توده‌ی مردم، انواع و اقسام افکار گوناگون در میان مردم، اینجور آغوش باز کرده بود، مردم را از اهل هر قومی، از اهل هر گروه و مذهبی، با آغوش باز می‌پذیرفت، همین امام در اول انقلاب یک

۹. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۷۳

مجموعه‌هایی را از خود طرد کرد. کمونیستها را صریح طرد کرد. آن روز برای خیلی از ماها که در اول انقلاب دست‌اندرکار مبارزه بودیم، این کار امام عجیب بود. در همان اوائل انقلاب، امام صریح در مقابل کمونیستها موضعگیری کرد و اینها را از خودش جدا کرد. در مقابل لیبرال‌مسلكها و دلباختگان به نظامهای غربی و فرهنگ غربی، امام قاطعیت نشان داد؛ اینها را از خود دور کرد، از خود جدا کرد؛ هیچ رودربایستی و ملاحظه‌ای نکرد. مرتجعین را از خودش طرد کرد. امام بارها مرتجعین را با تعبیرات سخت و تلخ محکوم کرد، از خود دور کرد. در تبری از افرادی که در دایره‌ی فکری و مبانی اسلامی او قرار نمی‌گرفتند، امام تأمل نکرد؛ در حالی که با آنها هم دشمنی شخصی نداشت. ... امام دعوای شخصی ندارد؛ اما در دایره‌ی مکتب، با قاطعیت کامل، جاذبه و دافعه‌ی خود را اعمال می‌کند. این یک شاخص عمده از زندگی امام و مکتب امام است. تولی و تبری در عرصه‌ی سیاست هم باید تابع تفکر و فکر و مبانی اسلامی و مذهبی باشد؛ اینجا هم باید انسان ملاک و معیار را این قرار بدهد؛ ببیند خدای متعال از او چه می‌خواهد.^{۱۰}

قضاوت بر اساس معیار حال فعلی افراد؛ یکی از اصولی که در ذیل اصل جاذبه و دافعه امام قرار می‌گیرد، میزان بودن حال فعلی افراد برای قضاوت در مورد آنهاست. بدین معنا که اگر چه ممکن است فردی یا گروهی در برهه‌ای از زمان دارای سابقه انقلابی و مجاهدت در جبهه حق باشد اما در شرایط کنونی و روز جامعه مواضعی خلاف مواضع قبلی خود داشته باشد، در قضاوت نسبت به آن افراد یا گروه‌ها میزان و ملاک وضعیت و حال کنونی آنهاست. مقام معظم رهبری در توضیح این اصل در منطق و خط امام(ره) می‌فرماید: «یک نکته اساسی دیگر در مورد خط امام و راه امام، این است که امام بارها فرمود قضاوت در مورد اشخاص، باید با معیار حال کنونی اشخاص باشد. گذشته اشخاص، مورد توجه نیست. گذشته مال آن وقتی است که حال فعلی معلوم نباشد؛ انسان به آن گذشته تمسک کند. اگر حال فعلی اشخاص در نقطه مقابل آن گذشته بود، آن گذشته، دیگر کارایی ندارد. این، همان قضاوتی بود که امام امیرالمؤمنین علیه السلام، با جناب طلحه و جناب زبیر کرد.»^{۱۱}

۱۰. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۴/۳/۱۳۸۹

۱۱. همان

۷. تأکید بر حفظ وحدت

امام (ره) هم در سطح ملی و هم در میان مسلمین بر حفظ وحدت تأکید داشتند. فراتر از این، امام با نگاه بین‌المللی و جهانی که داشتند، مخاطب سخن و ایده خود را تمام بشریت و نه فقط ملت ایران می‌دانستند. بدین معنا که امام خیر، استقلال، عزت و ایمان را برای همه‌ی امت اسلامی و همه‌ی بشریت می‌خواستند. ایشان به عنوان پرچمدار اتحاد اسلامی، با تأکید همه‌جانبه بر اهمیت و ضرورت ایجاد جبهه اسلامی ضد استعماری که با مشارکت تمامی مسلمانان ایجاد می‌شود، امت اسلام را به اجتماع حول کلمه توحید و اتحاد و همگرایی فرا می‌خواندند. ایشان با آگاهی کامل از اینکه وجود تفرقه در بین مسلمانان مانع عزت، شرافتمندی و پیشرفت آنان است و اینکه استعمارگران با تز «تفرقه بینداز حکومت کن»، چه بلایی سر مسلمانان و جوامع اسلامی آوردند، دستیابی به وحدت را ضرورتی برای مسلمانان می‌دانند و معتقدند که وحدت، راه دفاع از کیان اسلام، حل معضلات کشورهای اسلامی و مسلمین جهان و همچنین راه تامين استقلال، آزادی و شرافت انسانی مسلمانان می‌باشد. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «بزرگترین منکر، غلبه اجانب بر ماست... الآن منکری بالاتر از این نیست که مصالح مسلمین را به خطر انداخته است، این وظیفه همه شماست، که می‌خواهید برای خدا کار کنید، همه ما باید این دشمنی را نهی کنیم و وحدت اسلامی را شعارمان کنیم با وحدت و زیر پرچم لاله الا الله بودن».^{۱۲}

محور وحدت در اندیشه امام خمینی «اعتصام» به «ریسمان الهی» است. «اعتصام» به معنای چنگ زدن به هدف واحد و ایده آل هستی است. از این روی وحدت به لحاظ هستی‌شناسانه با توحید ارتباط تام دارد؛ زیرا فقط راه حق است که فطرتاً می‌تواند انسان‌ها را حول خدا متحد سازد و انسان‌ها واقعاً تمایل فطری و حق و حقیقت دارند و این گرایش در همه آدمیان وجود دارد. پس وحدت حقیقی بدون اعتصام به خدا و حبل او و حقیقت، معنا نخواهد داشت. بنابراین، جمع شدن حول یک محور مشترک، به تنهایی، وحدتی گذرا و مقطعی خواهد بود. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: "هر اجتماعی مطلوب نیست، واعتصموا بحبل الله مطلوب است. ... مردم را دعوت کنید به وحدت. دعوت کنید به این که گروه گروه نشوند."^{۱۳} ریسمان الهی ربوبیت است، اسم «رب» همان ریسمان خدایی است. یعنی پذیرش تدبیر و اداره امور عالم و حاکمیت مطلق هستی برای او و لاغیر. در عبارت دوم، امام حبل خدا و ریسمان او را «راه

۱۲. صحیفه نور، جلد ۶، ص ۱۱۶

۱۳. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۳۴

حق» می‌داند، راه صدق و راستی، راه خدا و پیامبران الهی که باز همان پذیرش ربوبیت و حاکمیت مطلقه خدا بر عالم وجود است. زیرا وحدت نیاز به محور، یا منشأ و اساس واحدی دارد و یا هدف و مقصد واحدی را می‌طلبد و لذا توحید می‌تواند به عنوان محوری اساسی برای وحدت در نظر گرفته شود، چون در جامعه توحیدی، انسان‌ها در مسیر واحد (أَنَا لِلَّهِ وَ أَلَيْهِ رَاجِعُونَ) قرار دارند، برخلاف جامعه مشرک که راه‌ها و مسیرهای گوناگون دارد.

در مجموع، مقوله وحدت اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) هم امر ممکن است و هم متناسب با عقاید دینی، منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همه ملت‌های مسلمان می‌باشد. ایشان، ضعف امت اسلامی را در تفرقه و مجد و عظمت آنان را در وحدت و همدلی می‌دانستند و وحدت مطلوب از نگاه ایشان، «وحدت در عمل و تقریب در نظر» می‌باشد که آنهم با مبنا قرار دادن توحید و بندگی خداوند امکان عملی شدن می‌یابد. بنابراین علی‌رغم وجود اختلافاتی در میان فرق مسلمانان، چون همگی به وحدانیت معتقدند، راه برای گفتگو و نزدیکی هر چه بیشتر مسلمانان هموار است و اگر عده‌ای با توسل به تکفیر، دیگر فرق اسلامی را کافر می‌دانند و نه تنها راه تقریب را با دیگر مذاهب به روی خود می‌بندند، باید بدانند که راه مجد و عظمت مسلمانان، آنگونه که آنان می‌پندارند در تفرقه و اقدامات تفرقه‌انگیزانه نیست، بلکه در اتحاد و وحدت عمل است.^{۱۴}

همانطور که گفته شد، امام (ره) تنها به دنبال وحدت مسلمانان نبودند بلکه وحدت بشریت و تشکیل امت واحده جهانی را نیز مدنظر داشتند، از این رو تحقق وحدت در میان مسلمانان خود زمینه ساز و الگویی برای تشکیل امت واحده محسوب می‌شود. جهان‌گرایی اسلامی در اندیشه امام خمینی دارای سه رکن اساسی است که عبارتند از:

۱) تحقق یک حکومت اسلامی کارآمد در ایران و بر عهده گرفتن نقش ام القری و مرکزیت جهان‌گرایی اسلامی،

۲) تحقق وحدت مسلمانان،

۱۴. مصطفی قربانی (۱۳۹۲)، «سه گانه‌ای در باب وحدت در گفتمان حضرت امام خمینی (ره)»، در:

۳) اصلاح طلبی در سطح نظام بین الملل و تلاش برای شکل گیری یک نظام مطلوب. از نظر امام(ره) یک نوع تقدم رتبی و زمانی میان سه رکن مذکور، به ترتیبی که ذکر شد، وجود دارد.^{۱۵} بنابراین مشخص است که مقوله وحدت اسلامی در اندیشه امام(ره)، مقوله ای راهبردی و استراتژیک است که خود زمینه ساز تشکیل امت واحده جهانی است و تا وحدت اسلامی شکل نگیرد، امت واحده ای هم شکل نخواهد گرفت.

نکته دیگر اینکه امام(ره) به همان میزانی که به وحدت میان مسلمانان و وحدت بشریت توجه داشتند و آن را ضروری می دانستند، به وحدت در سطح ملی و میان اقوام و مذاهب مختلف در داخل کشور نیز توجه داشتند. با این وجود به نظر می رسد که امام(ره)، متأثر از همان عنصر جامعیت و نگرش سیستمیکی که داشتند، در این حوزه بیشتر نوعی نگاه عملی و کارکردی داشتند، بدین معنا که ایشان معتقد بودند که برای اداره جامعه و پیشبرد امور همه باید دست در دست هم و با احساس مسئولیت اقدام کنیم: «ایران امروز محتاج به کار است... باید کار بکنند مردم. کشاورز مشغول کشاورزی باشد. آنهایی که کارخانه دارند مشغول تولید باشند. صنایع کوچک و بزرگ مشغول کار باشند. افراد خودشان را موظف بدانند که امروز مملکت احتیاج دارد. یک مملکتی که الآن اقتصادش شکست خورده است محتاج است. نگذارند که این احتیاج باقی باشد که ما در هر چیزمان که آن رژیم ما را مبتلا کرد به وابستگی این ادامه پیدا کند.»^{۱۶} امام(ره) در ارتباط با همین مقوله تأکید دارند: «همه موظفند همچون برادری ایمانی به هم بنگرند و در مشکلات پشتیبان هم باشند. و ملت عزیز پشتیبان دولت و سایر ارگانها باشند، که بدون پشتیبانی همه جانبه توقع پیشرفت از دولت بی موقع است. با اتکال به خداوند تعالی، که در مشکلات بزرگ عنایت های غیبی را فرموده، بدانند که تا ملت و دولت به تعهد خود در نصرت به دین خدا و به بندگان او پایرجا باشند، نصرت خدا ادامه دارد.»^{۱۷}

۱۵. محمود پروانه، الگوی جهان گرایی اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، (تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹)،

صص ۱۵۵-۱۵۶

۱۶. همان، ج ۱۲، ص ۴۱

۱۷. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۹

۸. اصرار بر سازندگی کشور و تحویل یک نمونه عملی از کشور و جامعه اسلامی به جهان^{۱۸}

امام(ره) منتقد اساس نظم حاکم بر رژیم پهلوی بودند و از این رو آن را برانداختند و در مقابل آن، نظم مطلوب خود را به تصویر کشیدند، نظمی که در آن برای ارزش ها و اصول انسانی، کرامت انسانی، عدالت، معنویت، عقلانیت و... در کنار تلاش برای تأمین مادیات زندگی انسان ها نیز اهمیت قائل بود. توجه به این مجموعه عوامل مادی و معنوی، متدلوزی پیشرفت و کارآمدی نظام سیاسی را از دیدگاه امام خمینی(ره) نشان می دهد. در واقع، در نگاه امام(ره)، پیشرفت و کارآمدی جمهوری اسلامی ایران هم یک ضرورت ملی و هم لازمه موفقیت در تحقق آرمان های فراملی می باشد؛ زیرا از دیدگاه امام(ره) برای جمهوری اسلامی ایران ضرورت دارد تا با تحقق پیشرفت در داخل، یک الگوی کارآمد از اسلام را نشان دهد. از سوی دیگر چون جمهوری اسلامی به دنبال ارائه یک الگوی کارآمد از اسلام نیز می باشد تا به جهانیان بفهماند که اسلام چه برنامه و اهدافی دارد،^{۱۹} چنان که دشمنان انقلاب می کوشند انقلاب و در نتیجه اسلام را ناکارآمد نشان دهند و چنین تبلیغ کنند که علت این ناکارآمدی در این است که اساساً اسلام و دیگر ادیان الهی فقط برای معنویات آمده اند و با دنیاداری و حکومت کاری ندارند و ورود آنها به عرصه سیاست، به این مقصد معنوی ضربه می زند یا این که اسلام دینی ارتجاعی و مخالف تمدن می باشد، لذا باید دیانت از سیاست جدا باشد،^{۲۰} تحقق پیشرفت برای آن اهمیت مضاعف دارد.

امام(ره) پیشرفت مطلوب را پیشرفتی می دانستند که در پاسخ به نیازهای حقیقی انسان عملیاتی شده باشد و مبتنی بر ترویج انسانیت و معنویت و در یک کلام، مبتنی بر انسان سازی باشد. از این رو، ایشان پیشرفت به سبک غربی را نفی می کردند و می فرمودند: «غرب حیوان بار می آورد. آنهم نه حیوان آرام، یک حیوان وحشی! آدمکش! آدمخوار! پیشرفت، پیشرفت انسانی نیست. پیشرفت حیوانی است...»^{۲۱} از سوی دیگر، امام(ره) برخی مظاهر ترقی مدرن را می پذیرند به گونه ای که می فرمایند: «اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآورها، اختراعات و ابتکارات و صنعتهای پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچگاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است.»^{۲۲} اما با این وجود، در بیان تفاوت پیشرفت مطلوب مورد نظر

۱۸. برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) - ۱۳۷۱/۳/۱۴

۱۹. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۰۸ و ج ۱۸، ص ۱۲۹.

۲۰. وصیت نامه امام(ره).

۲۱. همان، ج ۸، ص ۹۶.

۲۲. وصیت نامه امام(ره).

خودشان با پیشرفت مطلوب دنیای غرب می فرمایند: «در فکر این باشید که به جلو بروید، برنگردید به عقب. اگر انحطاط اخلاقی یا فکری یا عملی حاصل بشود، این برگشت به عقب است و ارتجاع...»^{۲۳}

در واقع، حضرت امام تعریف توسعه را براساس تعریف مدرن قبول ندارد بلکه، پیشرفت توأم با هویت را معتقدند و اذعان داشتند که بحث هویت ما با مفهوم توسعه و مبانی آن در غرب جمع پذیر نیست. به بیان دیگر، امام بر خلاف کسانی که معتقدند برای رسیدن به توسعه باید هویت را فدا کرد، بر این باور است که پیشرفت می بایست توأم با حفظ هویت مدنظر باشد، یعنی امام(ره) نه تنها مطلوبیت پیشرفت، به عنوان یک ارزش کمیاب جهانی، را نفی نمی کنند، اما در عین حال معتقدند که پیشرفت می بایست مبتنی بر کارآمدی، توأم با عدالت و اخلاق و معنویت و ارتقای مقام انسانی انسان به عنوان خلیفه الله باشد.

جریان شناسی تحریف کنندگان مکتب امام(ره)

مهمترین افراد و جریان‌هایی که مشغول به تحریف مکتب امام هستند، عبارت‌اند از:

۱. برخی یاران اولیه امام(ره)

این دسته کسانی هستند که در ترازوی که خود انتظار دارند، مورد توجه قرار نمی گیرند و برای احیاء هویت و شخصیت خود بین حال و دوران امام(ره) رفت و آمد ذهنی دارند و به جای اینکه دیدن خود را مطالبه کنند و یا بالا و پایین شدن نخبگان در چرخه‌ی مردم سالاری را بپذیرند به صورت مرتب مدینه‌ی فاضله‌ای از دوران امام(ره) ارائه می دهند و یا خود را جزء معتمدترین یاران امام(ره) معرفی می کنند که گویی مشاور هماهنگ کننده امام(ره) بوده‌اند و بقیه افراد در فاصله‌ی زیادی از امام(ره) قرار داشته‌اند. این دسته امام(ره) را طوری تفسیر می نمایند که با حال خودشان هماهنگ باشد و به جای این که مؤید امام(ره) باشند، امام(ره) را مؤید خود می کنند.

۲. دشمنان خارجی

دشمنان خارجی تلاش می کنند تصویری خشن، غیرمنطقی، ضد توسعه و غیر امروزی از امام(ره) و انقلاب ایشان ارائه دهند. دشمنان غربی و اپوزیسیون خارج از کشور معمولاً تلاش می نمایند مدعیات امام(ره) برای آینده انقلاب و کشور را به چالش بکشند و کارایی آنچه امام(ره) آورد را مورد تردید قرار دهند. این جماعت معمولاً هدف انقلاب امام(ره) را رایگان کردن آب، برق، نفت و... می دانند و مدعی

^{۲۳}. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۶۶

هستند که امام بعد از پیروزی اهداف اولیه را رها و اهداف دیگری را در اولویت قرار داد. ایجاد فاصله بین حاکمیت و تردید در تحقق اهداف انقلاب اسلامی غایت حرکت و تبلیغات تحریفی این گروه است.

۳. اپوزیسیون داخلی

عده‌ای از افراد مانند ملی‌گراها و لیبرال-مذهبی‌ها که در صدر انقلاب مدتی در قدرت بودند، تلاش می‌نمایند خود را نزدیکترین افراد به امام(ره) در پاریس و ایران بدانند و تلاش می‌نمایند حملات امام(ره) به خود را ساخته و پرداخته دیگران بدانند. این جماعت سعی در «تاریخ‌نگاری» متفاوت از انقلاب اسلامی دارند. مدعای اینکه امام(ره) با تصرف سفارت آمریکا مخالف بود یا مدعای اینکه نامه امام(ره) به محتشمی‌پور وزیر وقت کشور درباره نهضت آزادی دست خط فرد دیگری است، نمونه‌ای از این تحریف است. این جماعت انقلابی بودن امام(ره) را کتمان می‌کنند و تلاش می‌نمایند امام(ره) را متأثر از حرکت عمومی جهان بدانند. امام(ره) معتقد است این جماعت «جزء حرف و ادعا هنر دیگری ندارند و ما هنوز چوب اعتماد خود به گروه‌ها و لیبرال‌ها را می‌خوریم».

۴. اصلاح طلبان (تجدیدنظر طلبان)

برخی از نخبگان فکری اصلاح طلب که از زمان ورود به حلقه کیان دچار دگردیسی معرفتی شدند، به صورت طبیعی از اندیشه امام(ره) فاصله گرفتند، چرا که نسبی‌گرایی آنان در معرفت و دست یازیدن به روش‌های علمی پست‌مدرن و تحلیل انقلاب اسلامی با این روش‌ها به صورت طبیعی آنان را از چارچوب اندیشه امام(ره) دور کرد. اما چون پیش از آن خود را خط امامی می‌نامیدند، حاضر به عدول از این مدعا نبودند. لذا در تعارضات گرفتار و به تجدید نظر طلبی روی آوردند و بخشی از دیدگاه‌های امام(ره) مثل «جمهوری» را برجسته و بخش‌های دیگر را به کلی نادیده گرفتند. ارائه چهره‌ای کانالیزه، غرب پسند، عرفی شده و متساهل از امام(ره) مأموریت اصلی این گروه در امام(ره) شناسی است.

۵. رفاه زدگان بعد از انقلاب

برخی از افراد که سابقه‌ای هم در انقلاب دارند، بعد از پیروزی انقلاب و متأثر از نوسانات شدید اقتصادی کشور و رانت اطلاعات، تعدیل اقتصادی و سوبسید، به ثروت‌های هنگفتی دست یافتند. از آنجا که امام(ره) در پازل مستضعفین تعریف می‌شد و کوخ نشینان را ارج می‌نهاد و رفاه و مبارزه را غیرقابل جمع می‌دانست، این جماعت سعی کردند مدعیاتی در وضعیت شخصی امام(ره) طرح نمایند. بعضاً امام(ره) را روشنفکر و بعضاً بسیار با نظر باز معرفی کردند و حتی برای توجیه، خود وی را به داشتن بیمارستان خصوصی متهم کردند. تعارضات این گروه‌ها از یک طرف باعث عدول از امام(ره) می‌شد و از

طرف دیگر علاقه‌مند به شناخته شدن با این هویت نبودند. این جماعت کم‌کم از خانواده انقلاب دور شدند، اما لحن طلبکارانه خود را در عین ثروت‌اندوزی حفظ کردند یا به تعبیر دیگر به جلو فرار کردند که مورد اتهام قرار نگیرد.

۶. روشنفکران علم زده

روشنفکران علم زده مهمترین شاخص را برای تحریف امام(ره)، غیر علمی معرفی کردن امام(ره) دانستند. فقه را امری علمی ندانسته و تلاش کردند «امام(ره) اندیشمند» را به امامی که برداشتی از قرآن دارد تقلیل و تحریف نمایند. نظریه ولایت فقیه را در قالب نظریه نمی‌پذیرند و شاقول آنان در این زمینه آورده‌های اومانیسیم و لیبرالیسم در غرب است. زیر ساخت فکری نظام جمهوری اسلامی را خارج از حوزه فلسفه می‌دانند و به همین دلیل احساس قرابت نمی‌کنند. این جماعت القای فاصله بین خود با امام(ره) را در دانشگاه‌های کشور نوعی پرستیژ علمی می‌دانند و احساس می‌نمایند اگر بر امام(ره) تأکید کنند، سطحی و غیر علمی شناخته می‌شوند. یکی از مشکلات عمده در شناساندن حقیقت امام(ره) به نسل‌های جدید همین جماعت هستند.

از دیگر گروه‌هایی که گاه و بیگاه دست به تحریف امام می‌زند، البته وزن فکری آن به اندازه گروه‌های ذکر شده در بالا نیست، می‌توان به عدالت‌خواهان و جریان موسوم به انحراف اشاره کرد. نقطه تمرکز اینها بر بحث عدالت است و تلاش می‌کنند تا با برجسته‌سازی یک‌جانبه بخش‌هایی از سخنان امام، نظام را گرفتار تبعیض و ناعدالتی بدانند.

شباهت و اتهامات عمده

بدون تردید، شباهت و تردیدافکنی‌ها در باره شخص و شخصیت امام خمینی(ره) با هدف به چالش طلبیدن و زیر سوال بردن جامعیت شخصیت نورانی امام، اندیشه‌ی منظومه‌ای و مدیریت و حکمرانی سیاسی کارآمد ایشان از سوی تحریف‌گران و طراحان بیرونی و عملیات داخلی صورت می‌گیرد. از این رو، لازم است ضمن پاسخ‌دهی اقناعی به آنها، کاملاً بر خلاف هدف غایی آنها، یعنی امام‌زدایی از مدیریت نظام اسلامی عمل شود و این امر در گرو تحقق عینی اندیشه‌ها و آرمان‌های امام و خلف صالح ایشان رهبری معظم انقلاب در عرصه‌های مختلف است. اما با نگاهی به حجم انبوه شبهه‌سازی‌ها و سوال‌پردازی‌ها در باره خط و مکتب و شخصیت امام، می‌توان مهمترین شباهت و اتهاماتی که ضداقلاب به امام نسبت می‌دهند را بازشناسی کرده و پاسخ‌های اجمالی به آنها را در سطور زیر مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

برخی از شبهات و اتهامات عبارتند از:

۱. اتهام یک‌سالاری و انحصارگرایی به حضرت امام(ره)

پاسخ: ۱- امام هیچ‌گاه سیاست حذف را در مواجهه با فعالین سیاسی انتخاب نکرد. تدابیر ایشان معطوف به بهره‌برداری از توان همه نیروهای انقلاب بود. سپردن دولت موقت به بازرگان و موافقت و حمایت همه جانبه از ابوالحسن بنی‌صدر در جایگاه ریاست جمهوری (در حالی که در نامه ششم فروردین ۱۳۶۸ با صراحت اعلام نمود که با انتخاب بازرگان و بنی‌صدر مخالف بوده است) نشان از این سعه صدر مدیریتی امام در به‌کارگیری همه نیروهای مبارز در برهه‌ی انقلاب دارد.

۲. امام در عین اعتقاد به حفظ وحدت، به استفاده از نخبگان در اداره کشور توجه جدی داشتند، به گونه‌ای که با تشکیل حزب جمهوری اسلامی موافقت کردند و بعداً با انشعاب مجمع روحانیون از جامعه روحانیت هم موافق بودند.

۳. امام معتقد به اداره نظام با مشارکت همه گروه‌های مبارز اعم از چپ‌ها و ملی‌گراها بودند و تنها زمانی اقدام به طرد آنها کردند که آنها علی‌رغم هشدارهای امام، به مخالفت با اسلام و نظام پرداختند. به عنوان مثال، مطرود اعلام کردن جبهه ملی، بعد از مخالفت این جبهه با لایحه قصاص صورت گرفت. با این حال، بعد از این، جبهه ملی و نهضت آزادی همواره به عنوان اپوزیسیون از سیاست‌ها و عملکرد نظام (حتی در دوره امام) انتقاد می‌کردند.

۴. به طور کلی، برخورد امام با گروه‌های سیاسی در جاهایی بوده که حرکتی مخالف اسلام، قانون و مصالح کشور انجام داده‌اند و گرنه امام با گروه‌هایی که مخالفتی با اسلام نداشته یا در تلاش برای انحراف صراط مستقیم مردم و انقلاب نبودند، همکاری داشتند.

۲. اتهام خشونت‌گرایی و برخورد پرشده با مخالفین و اتخاذ سیاست حذف فیزیکی مخالفین

پاسخ: ۱. اساس مشی مبارزاتی امام حتی قبل از انقلاب، پرهیز از برخورد مسلحانه و حذف فیزیکی بود.

۲. در ارتباط با گروه‌هایی چون منافقین و بنی‌صدر، اولاً آنها آغازگر اقدامات مسلحانه بودند و ثانیاً بعد از آن که هشدارهای امام مبنی بر تحویل دادن سلاح‌ها توسط منافقین به نتیجه نرسید و آنها به غائله‌آفرینی‌هایی چون ۱۴ اسفند، کشتار مردم بی‌گناه در خرداد ۱۳۶۰ و... دست زدند، با منافقین برخورد شد.

۳. در موضوع برخورد با گروهک‌های ضدانقلاب مانند کوموله، دموکرات، خلق عرب، خلق ترکمن و... نیز باید مطابق با متن تاریخ یادمان باشد که برخورد نیروهای انقلاب در واکنش به اقدامات خشونت‌بار آنها در اقصی نقاط کشور صورت گرفت و این‌گونه نبود که امام و نظام ابتدا به ساکن خواهان حذف و مقابله با این گروه‌ها باشند.

۳. اتهام قانون‌گریزی و تمسک به اقدامات فراقانونی

پاسخ: ۱. اتفاقاً قانون خط قرمز امام بود و ایشان با هر نوع بی‌قانونی مقابله می‌کردند.

۲. سیره مدیریتی امام، به دلیل شرایط انقلاب و جنگ، به گونه‌ای بود که ایشان صراحت و قاطعیت بالایی داشتند، اما هیچ‌گاه اقدام غیرقانونی انجام ندادند.

۳. مصداق بارز قانون‌مداری امام، در نحوه مواجهه توأم با صبوری و اقناع فکری مردم با امثال بنی‌صدر آشکار می‌شود که امام تا جایی که امکان داشت می‌خواست وی را جذب کند اما پس از رای نمایندگان ملت به عدم کفایت سیاسی وی را عزل کرد.

۴. اتهام فقدان آزادی‌های مدنی در زمانه امام(ره)

پاسخ: ۱. امام نه تنها مخالف آزادی‌های مشروع نبودند، بلکه اساساً آزادی را «عطیه‌ای الهی» می‌دانستند.

۲. امام معتقد به آزادی فعالیت احزاب، گروه‌ها و انجمن‌های مختلف بودند، به شرطی که توطئه نکنند. در واقع، آزادی (بویژه آزادی بیان و انجمن) را قبول داشتند، در صورتی که منجر به توطئه نشود.

۳. در حوزه آزادی‌های مدنی، امام دیدگاه‌های مترقیانه‌ای دارد. به عنوان مثال، ایشان در حوزه حقوق زنان، قائل به نقش‌آفرینی سیاسی اجتماعی برای زنان بودند.

۵. اتهام عوام‌فریبی و سیاست‌ورزی پوپولیستی به حضرت امام(ره)

پاسخ: ۱. امام نهضت خود را بر ایمان مردم و حضور آنها در صحنه استوار کرد. پیوند امام با مردم، پیوندی عقیدتی - عاطفی - عقلانی بود و این با پوپولیسم که از جهل مردم سوءاستفاده می‌کند، کاملاً متفاوت است.

۲. همان‌گونه که در اصول مکتب امام گفته شد، اساساً امام مردم‌گرا بودند و تحقق هر مطلوبی را در گام اول، نه بر نخبگان و احزاب، بلکه با تکیه بر مردم ممکن می‌دانستند.

۳. امام نهضت خود را با مردم آغاز کرد و با ایشان پیش برد. فردای انقلاب نیز مردم را به رفتن به خانه دعوت نکرد! بلکه آنان را در صحنه نگه داشت تا مصائب و مشکلات پیش آمده برای انقلاب را با اراده

ایشان پشت سر بگذارد. امام زمام امور کشور را به مردم سپرد و با یک طراحی هنرمندانه، در همان اولین سال پیروزی، پنج بار مردم را پای صندوق رأی آورد. امام با تشکیل بسیج بیست میلیونی، حراست و تأمین امنیت کشور در برابر دشمنان را نیز به مردم سپرد. امام در هیچ امری از انقلاب بدون مردم تصمیم نگرفت و همواره خود را خادم مردم می‌دانست. همین پیوند با مردم بود که در منظر رسانه‌های جهانی، امام محبوب‌ترین رهبر جهان قلمداد شد و بزرگترین استقبال مردمی در بدو ورود به ایران پس از ۱۵ سال تبعید و با شکوه‌ترین بدرقه و تشییع تاریخی پس از ارتحال از پیکر مطهر ایشان رقم خورد.

۶. اگر امام بود، وضعیت کشور اینگونه نبود.

پاسخ: ۱. اساساً سیره مدیریتی مقام معظم رهبری هیچ تفاوتی با سیره امام ندارد؛ تفاوت در نوع مواجهه رهبری با مسائل مختلف در مقایسه با حضرت امام، به تفاوت در شرایط کشور برمی‌گردد. به عنوان مثال، همواره در دولت قبل مطرح می‌شد که چرا رهبری، رئیس‌جمهور را عزل نمی‌کند، حال آنکه امام بنی‌صدر را عزل کرد، اما به این نکته توجه نمی‌شود که عزل بنی‌صدر بعد از صدور رأی عدم‌کفایت سیاسی وی از سوی مجلس شورای اسلامی صورت گرفت. حال آنکه در دوره مذکور، اینگونه اتفاقی از سوی مجلس رقم نخورد.

۲. در زمان امام، انسجام سیاسی بالایی در کشور وجود داشت و مبتنی بر همین عامل، هر اقدامی که امام انجام می‌داد، با حمایت قاطع نخبگانی و مردمی مواجه می‌شد، اما در زمانه رهبری معظم انقلاب، اساساً برخی نخبگان کمر به مبارزه با معظم‌له بسته‌اند.

۳. در زمانه امام، هم جمعیت کشور کم بود و هم سطح نیازهای مردم در آن زمان چندان بالا و گسترده نبود، اما الان هم جمعیت حدود سه برابر شده و هم سبک زندگی مردم بشدت تغییر کرده است.

۴. خودکنترلی، خداباوری و خداناظری در دوره امام، بالا بود، اما بنا به دلایل مختلف، این خصلت‌ها کم‌رنگ شده است. بنابراین، طبیعی است که ممکن است تفاوت‌هایی میان دوره امام و رهبری وجود داشته باشد.

۷. اگر امام حضور داشتند، با توجه به شدت مشکلات اقتصادی، استکبارستیزی و مبارزه با آمریکا

تا این حد ادامه پیدا نمی‌کرد.

پاسخ: ۱. همانگونه که در متن هم اشاره شد، یکی از ویژگی‌های سیره سیاسی امام، جامعیت آن بود. براین اساس، امام به موازات مبارزه با استبداد داخلی، با استعمار و تحمیل خارجی هم مبارزه کردند.

۲. استقلال و حاکمیت ملی از دیدگاه امام جزو خطوط قرمز بود، به گونه‌ای که وقتی رژیم شاه «کاپیتولاسیون» را به نفع مستشاران آمریکایی تصویب کرد، امام آن را سند بردگی ملت ایران دانستند و بشدت علیه آن موضع گرفتند.

۳. بنابراین، استکبارستیزی امام یک اصل مداوم بود. به عنوان مثال، وقتی لانه جاسوسی به دست دانشجویان پیرو خط امام تسخیر شد، کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعلام کرد که ایران ما را تحقیر کرد که امام در پاسخ فرمودند این اول کار است، ایران تا آخر شما را تحقیر خواهد کرد.

۴. با این حال، مبارزه با آمریکا از دیدگاه امام یک اصل مطلق نبود، بلکه امام با تعیین شرایطی چون «آدم شدن آمریکا» و رعایت حقوق متقابل ایران از سوی آمریکا، رابطه با آمریکا را می‌پذیرفتند.

۵. در عین حال، امام همواره نسبت به آمریکا هشدار می‌داد. ه عنوان مثال، ایشان می‌فرمایند: «مبادا در مقابل آمریکا یک لحظه غفلت کنیم که نابود می‌شویم...».

۶. هم‌اکنون نیز جمهوری اسلامی ایران درباره آمریکا بر همان شروطی که مدنظر امام راحل بود اصرار دارد و چنانچه آمریکا آدم شود و حاضر به رعایت حقوق ملت ایران باشد، رابطه با آن مانعی ندارد.

۷. ضمن اینکه باید به این نکته هم توجه کرد که در تمامی سال‌های بعد از رحلت امام، همانند دوران حیات امام، این همواره آمریکا بوده که مایل به بهبود روابط با ایران نبوده است. به عنوان مثال، ترامپ درست زمانی از برجام خارج شد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ۱۰ بار پایبندی ایران به اجرای تعهدات برجامی‌اش را تأیید کرده بود. یا اینکه در جریان آزادسازی گروگان‌های غربی در لبنان در سال ۱۹۸۳، با وساطت ایران، این گروگان‌ها از لبنان آزاد شدند، اما آمریکایی‌ها در نقطه مقابل به قول‌هایی که مبنی بر آزادسازی اموال بلوکه شده ایران داده بودند، هیچ‌گاه عمل نکردند.

نتیجه‌گیری

امام خمینی (ره)، متأثر از چارچوب شخصیتی و اندیشه‌ای منحصر به خود، در حوزه سیاسی و عملی دارای مکتب و خط فکری - سیاسی خاص خود می‌باشد که در نوشتار حاضر به شاخص‌ها و اصول کلی مکتب و خط امام (ره) اشاره شد. در واقع، این شاخص‌ها و ویژگی‌ها از یک سو متأثر از ویژگی‌های شخصیتی و اندیشه‌ای امام می‌باشند و از سوی دیگر، در پاسخ به مسائل جامعه ایران، مسلمانان و حتی بشریت ارائه شده‌اند. از این رو، مکتب و خط امام در شرایط کنونی نیز از نظر دارا بودن پتانسیل و ظرفیت لازم و کافی برای معیار عمل قرارگرفتن و استناد علمی و عملی به آن از غنای کافی برخوردار است. با این وجود، برخی جریان‌های داخلی و بیگانگان در استناد و بحث از امام (ره)، شخصیت و مکتب ایشان، همواره

تلاش می‌کنند تا با در حاشیه قرار دادن برخی ابعاد خط امام، به بزرگنمایی و برجسته‌سازی بُعد مطلوب و موردنظر خود از امام(ره) پردازند. به عنوان مثال، درحالی که تلاش برخی معطوف بدان است که امام(ره) را چهره‌ای صرفاً تاریخی و مورد احترام بدانند که تاریخ مصرف اندیشه‌ها و خط و مکتب وی به پایان رسیده است، برخی دیگر تلاش می‌کنند تا چهره‌ای لیبرال مسلک از امام(ره) و خط وی ارائه دهند. این درحالی است که امام(ره) دارای ابعاد شخصیتی و فکری مختلفی می‌باشد که تنها با کنار هم قرار دادن همه آن ابعاد، تصویری واقعی و صحیح از امام(ره) شکل می‌گیرد.

از اینجاست که می‌توان از «تحریف شخصیت امام» سخن گفت. درواقع، برخی جریان‌ها به دلیل آنکه در حوزه عمل و در برخورد با واقعیت‌ها چندان نمی‌توانند به ارزش و شاخص‌های خط امام(ره) پایبند بمانند، جهت اینکه برای خود نوعی مشروعیت‌تراشی کنند، با برجسته کردن تصویر موردنظر خود از امام(ره)، به تحریف شخصیت و خط امام(ره) می‌پردازند. در صورتی که شخصیت، اندیشه و سیره عملی امام(ره) را مانند هر اندیشمند دیگری باید صرفاً در کلیت خود و در ارتباط با تمام اجزا و عناصر تشکیل دهنده خود درک و تبیین شود.

نکته پایانی اینکه، همانگونه که از دیدگاه مقام معظم رهبری عقلانیت، معنویت و عدالت، ابعاد اصلی مکتب امام(ره) را تشکیل می‌دهند، اصول هشت‌گانه مذکور نیز در راستای همین سه بُعد و در واقع، در تشریح و شاخص‌سازی این سه بُعد ارائه شده‌اند و از این جهت، با همدیگر منافاتی ندارند. مقام معظم رهبری در تشریح سه بُعد مذکور می‌فرماید: «دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. بُعد معنویت است؛ یعنی امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه‌ی بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمی‌گرفت؛ اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود؛ به کمک الهی باور داشت؛ امید او به خدای متعال، امید پایان‌ناپذیری بود. و در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است. ... بُعد سوم هم وجود دارد... و آن، بُعد عدالت است. این‌ها را باید با هم دید. تکیه‌ی بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا می‌کشاند، به انحراف می‌برد. این مجموعه، این بسته‌ی کامل، میراث فکری و معنوی امام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارش، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه‌ی وجود متوجه به بُعد عدالت بود. ... از جمله‌ی مسائلی که مظهر عقلانیت امام بزرگوار بود، این بود که ایشان به مردم تفهیم کرد که آنها صاحب و

مالک این کشورند. ... مظهر معنویت در امام بزرگوار، در درجه‌ی اول، اخلاص خود او بود. امام کار را برای خدا انجام داد. از اول، هرچه که احساس می‌کرد تکلیف الهی اوست، آن را انجام می‌داد... به مردم و مسئولین هم این درس را بارها گفت و تکرار کرد که آنچه مهم است، تکلیف است. ما تکلیف را انجام می‌دهیم، ترتب نتیجه بر کار ما دست خداست... بُعد عدالت هم در مکتب امام بسیار برجسته است. اگرچه به یک معنا عدالت هم از همان عقلانیت و نیز از معنویت برمی‌خیزد، اما برجستگی بُعد عدالت در منظر امام بزرگوار، آن را به طور مشخص‌تری در مقابل ما قرار می‌دهد. از اول پیروزی انقلاب، امام تکیه‌ی بر طبقات ضعفا را اصرار کردند، تکرار کردند، توصیه کردند... بارها توصیه می‌کرد که به کاخ‌نشینی و به اشرافی‌گری تمایل پیدا نکنند، سرگرم مال‌اندوزی نشوند، با مردم ارتباط نزدیک داشته باشند... اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام انقلابی‌گری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابی‌گری، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما می‌دانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایذاء و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم»^{۲۴}

ضمیمه این شماره کابینه سخن بادی:

«مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در موضوع تحریف شخصیت و اندیشه حضرت امام خمینی (ره)»

۱- واقعی بودن تهدید تحریف در این حوزه

رهبر معظم انقلاب تحریف اندیشه و شخصیت حضرت امام را یک پروژه واقعی - و نه توهمی - می‌دانند که دشمن به جد آن را دنبال می‌کند. ایشان در این باره می‌گویند:

«اکثر شما می‌دانید که انگیزه‌هایی برای تحریف شخصیت امام و تحریف انقلاب - که بزرگ‌ترین هنر امام بزرگوار بود - هست.» (۱۳۹۶/۰۳/۱۴)

در همین جهت معظم‌له ضمن تشریح چپستی تحریف شخصیت امام راحل (ره)، واقعی بودن این پروژه را مفروض می‌دانند و می‌گویند:

«معمولاً عنوان تحریف را و اصطلاح تحریف را درباره‌ی تحریف متون به کار می‌بریم؛ آیا شخصیت‌ها را هم می‌شود تحریف کرد؟ بله. تحریف شخصیت‌ها به این است که ارکان اصلی شخصیت آن انسان بزرگ، یا مجهول

^{۲۴} بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴

بماند، یا غلط معنا شود، یا به صورت انحرافی و سطحی معنا شود؛ همه‌ی اینها برمی‌گردد به تحریف شخصیت. شخصیتی که الگو است، امام و پیشوا است، رفتار او، گفتار او برای نسل‌های بعد از خود او راهنما و رهنمود است، اگر تحریف شود زیان بزرگی به وجود خواهد آمد.» (۱۳۹۴/۰۳/۱۴)

۲- حیطه‌های تحریف شخصیت و اندیشه حضرت امام خمینی (ره)

با درک واقعی بودن پروژه‌ی تحریف شخصیت و اندیشه حضرت امام خمینی (ره)، اکنون باید دید این تحریف چگونه دنبال می‌شود؟ از مجموع بیانات مقام معظم رهبری می‌توان حیطه‌های تحریف در این موضوع را به صورت ذیل برشمرد:

۱-۲- تعریف امام به عنوان یک فرد انقلابی خشن

طبق بیانات مقام معظم رهبری «در زمان حیات امام هم برای تحریف شخصیت امام کار می‌شد.» در آن زمان دشمن چنین سعی می‌کرد که:

«در تبلیغات جهانی خود امام را به صورت یک انقلابی خشک و خشن - از نوع آنچه در تاریخ انقلابهای بزرگ و معروف عالم مثل انقلاب فرانسه، انقلاب مارکسیستی شوروی و بعضی از انقلابهای دیگر می‌شناسیم - معرفی کند؛ یک انسانی که خشک است و خشن است و گره ابروی او باز نمی‌شود و صرفاً نگاه می‌کند به مقابله‌ی با دشمن و هیچ عاطفه‌ای، هیچ انعطافی در او نیست؛ امام را این جور معرفی می‌کردند که این غلط بود.» (۱۳۹۴/۰۳/۱۴)

۲-۲- معرفی گزینشی مواضع حضرت امام (ره)

در همان زمان حیات امام راحل در داخل کشور نیز تلاش‌های تحریف‌گرایانه حول معرفی گزینشی مواضع حضرت امام در جریان بود. به بیان مقام معظم رهبری:

«در داخل هم بعضی ندانسته، بعضی هم دانسته [شخصیت امام را] تحریف می‌کردند؛ حتی زمان حیات خود امام. هر حرفی را که به نظرشان پسندیده بود، به امام نسبت می‌دادند؛ درحالی که ارتباطی به امام نداشت. بعد از رحلت امام هم همین جریان ادامه داشته است؛ حتی تا آنجایی که بعضی حرف‌ها و بعضی اظهارات، امام را به صورت یک آدم لیبرال که هیچ قید و شرطی در رفتار او در زمینه‌های سیاسی، حتی در زمینه‌های فکری و فرهنگی وجود ندارد معرفی می‌کنند؛ این هم بشدت غلط و خلاف واقع است.» (۱۳۹۴/۰۳/۱۴)

۳-۲- محصور کردن مکتب حضرت امام به حیطه معنویات

از اولین خط‌های تحریف‌گرایانه از اندیشه و شخصیت حضرت امام بعد از رحلت ایشان را می‌توان خوانش صرفاً معنوی از خط ایشان دانست. مقام معظم رهبری در پاسخ به این تحریف می‌گویند:

«بعضی دل‌های غافل، ممکن است خیال کنند یا تبلیغ نمایند که راه امام و خط امام، معنویات و آخرت را برای مردم تأمین می‌کند؛ اما دنیا یشان آباد نمی‌شود! این، خطاست. راه خدا برای انسان‌ها، دنیا و آخرت را آباد می‌کند؛ زندگی را شیرین و آسان می‌کند و فشار تحمیل دشمن را از سر آنها برمی‌دارد و کم می‌کند. راه خدا این گونه است و راه امام نیز همین راه خداست.» (۱۳۷۵/۰۳/۱۶)

۴-۲- تاریخی خواندن شخصیت امام و پایان بخشیدن به آن

تاریخی خواندن شخصیت امام (ره) را یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای تحریف ایشان در دهه هفتاد بود. در همان زمان مقام معظم رهبری با هشدار دادن نسبت به این موضوع، فرمودند:

«دشمنان اسلام و مسلمین می‌خواهند نام امام زایل شود و از بین برود و یا کم رنگ گردد. می‌خواهند وانمود کنند این حادثه که پیش آمد و اتفاق افتاد، گذشته است. می‌خواهند در آینده دنیا اثری نداشته باشد. ملاحظه می‌کنید در اعمال این تصمیمات، شیوه‌ها و طرقی هم به کار می‌برند؛ مثل تبلیغات زهرآگین و تحریف‌ها و لجن‌پراکنی‌ها. این چیزها، در همه جای حوزه نفوذ قدرت‌های استکباری وجود دارد. نقطه مقابل آنها، حرکتی است که مسلمانان باید انجام دهند.» (۱۳۷۵/۳/۱۶)

این خط تحریفی اما با به قدرت رسیدن دولت اصلاحات و به دلیل تساهل و تسامح مسئولان این دولت در قبال افکار منحرفانه، پُر رنگ‌تر شد و در چنین فضایی بود که اکبر گنجی، از فعالان اصلاح‌طلب، در حاشیه کنفرانس برلین و در مصاحبه با روزنامه آلمانی تاگس، تصریح کرد که شخصیت حضرت امام هم روزی به موزه خواهد رفت. مقام معظم رهبری در مقابل این تلاش‌ها فرمودند:

«امام را نباید به‌عنوان صرفاً یک شخصیت محترم تاریخی مورد توجه قرار داد؛ بعضی این جور می‌خواهند: امام یک شخصیت محترمی است در تاریخ این کشور که روزگاری بود، فعال بود، مفید بود، بعد هم از میان جمعیت رفت و روزگار او تمام شد؛ احترامش می‌کنیم، نامش را با تجلیل می‌آوریم، صرفاً همین؛ بعضی می‌خواهند امام را این جور بشناسند و بشناساند و این جور تلقی کنند؛ این غلط است.» (۱۳۹۴/۰۳/۱۴)

۳- آثار و پیامدهای تحریف شخصیت و اندیشه حضرت امام خمینی (ره)

از دیدگاه مقام معظم رهبری تحریف اندیشه و شخصیت امام راحل (ره) عواقب بسیار خطرناکی برای ملت و کشور ایران دارد و سبب می‌شود تا هستی و هویت این ملت و سرزمین در معرض تهدید و نابودی قرار گیرد. از مجموع بیانات معظم‌له در این باره می‌توان تهدیدات مذکور را در موارد ذیل برشمرد:

۳-۱- منحرف شدن صراط مستقیم ملت ایران

«اگر ملت ایران بخواهد به آن هدفها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند، که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است. اگر راه امام را کم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد.» (۱۳۹۴/۰۳/۱۴)

۳-۲- بازگشت همه تهدیدات اساسی علیه ملت ایران

«همه باید بدانند که هاضم‌های سیری‌ناپذیر استکبار جهانی چشم از کشورشان برنداشته است؛ یک کشور بزرگ، یک کشور ثروتمند، یک کشور واقع‌شده‌ی در یک چهارراه حساس جهانی، برای قدرتمندان دغل‌باز عالم خیلی مهم است. اینها دست از طمع خود برنداشته‌اند، چشم برنداشته‌اند؛ فقط آن وقتی عقب خواهند نشست که شما ملت ایران آن چنان قدرتی پیدا کنید، آن چنان پیشرفتی پیدا کنید که امید آنها قطع بشود. اینجا است که خطر تحریف امام اهمیت پیدا می‌کند؛ اگر شخصیت امام تحریف شد، بد معرفی شد، غلط معرفی شد، همه‌ی این خطرات بزرگ متوجه ملت ایران خواهد شد.» (۱۳۹۴/۰۳/۱۴)

۴- راهکارهای جلوگیری از تحریف در این حوزه

رهبر معظم انقلاب با هشدار دادن نسبت به خطر تحریف اندیشه و شخصیت امام خمینی (ره)، راهکارهایی را نیز برای جلوگیری از این اقدامات بیان کرده‌اند. البته باید توجه داشت که از نظر مقام معظم رهبری، تلاش

تحریف‌گران در این زمینه به جایی نمی‌رسد، چرا که مواضع حضرت امام(ره) به روشنی و صراحت بیان شده است و جای هیچ‌گونه تردید و شبهه‌یی در این زمینه وجود ندارد. معظم‌له در این باره می‌گویند:

«دشمن نتوانست شعارهای انقلاب را کم‌رنگ و سپس محو کند. به نظر من یک بخش عمده‌ای از این هم مربوط می‌شود به هوشیاری امام بزرگوارمان. آنچه که امام بزرگوار از اظهارات خود، از گفته‌های خود، از نوشته‌های خود در میان ما باقی گذاشت، بیانات است، محکّمات است؛ تشابهات نیست که کسی آنها را نفهمد. آخرین سخن امام هم وصیتنامه‌ی امام است. من همیشه به مسئولین و کسانی که در دولتهای گوناگون یک کار مهمی دست‌شان بوده است، توصیه می‌کردم که به وصیتنامه‌ی امام مراجعه کنند. وصیتنامه‌ی امام، لبّ ارزشهای مورد نظر امام است؛ اینها را امام باقی گذاشته، زنده گذاشته است. لذاست که این ارزشها قابل تحریف نیست، قابل تغییر نیست. بله، ندیده گرفتن اینها امری است که میسر است برای کسانی که بخواهند ندیده بگیرند.» (۱۳۹۲/۴/۲۳)

با این حال تلاش دشمنان در این زمینه ادامه دارد و رهبر معظم انقلاب، راهکارهایی را برای خنثی کردن این تلاش‌ها بیان کرده‌اند که عبارتند از:

۴-۱- شاخص قرار دادن اندیشه و شخصیت حضرت امام(ره) و حساسیت در مقابل تحریف آن

«بهترین شاخصها، خود امام و خط امام است. امام بهترین شاخص برای ماست. اگر این تشبیه با همهی فاصله‌ای که وجود دارد، به نظر برسد، عیبی ندارد که تشبیه کنیم به وجود مقدس پیغمبر که قرآن می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول اللّٰه اسوۃ حسنۃ لمن کان یرجو اللّٰه و الیوم الآخر». خود پیغمبر اسوه است؛ رفتار او، کردار او، اخلاق او. یا در یک آیه‌ی شریفه‌ی دیگر می‌فرماید: «قد کانت لکم اسوۃ حسنۃ فی ابراهیم و الذّین معه»؛ ابراهیم و یاران ابراهیم اسوه‌اند. در اینجا یاران ابراهیم پیغمبر هم ذکر شده‌اند تا کسی نگوید که پیغمبر معصوم بود یا ابراهیم معصوم بود، ما نمی‌توانیم از آنها تبعیت کنیم؛ نه، «قد کانت لکم اسوۃ حسنۃ فی ابراهیم و الذّین معه اذ قالوا لقومهم انا براء منکم و ممّا تعبدون من دون اللّٰه کفرنا بکم» تا آخر آیه‌ی شریفه. در مورد امام بزرگوار که شاگرد این مکتب و دنباله‌رو راه این انبیای عظام است، همین معنا صدق می‌کند. خود امام برجسته‌ترین شاخصهاست؛ رفتار امام، گفتار امام. خوشبختانه بیانات امام در دسترس است، تدوین شده است. وصیتنامه‌ی امام آشکارا همهی مافی‌الضمیر امام را برای آینده‌ی انقلاب تبیین می‌کند. نباید اجازه داد این شاخصها غلط تبیین شوند، یا پنهان بمانند، یا فراموش بشوند. اگر این شاخصها را ما بد تبیین کردیم، غلط ارائه دادیم، مثل این است که یک قطب‌نما را در یک راه از دست بدهیم، یا قطب‌نما از کار بیفتد.» (۱۳۸۹/۳/۱۴)

۴-۲- جلوگیری از جدا کردن امام(ره) از خط امام

«امام منهای خط امام، آن امامی نیست که ملت ایران به نفس او، به هدایت او جانشان را کف دست گرفتند، فرزندان‌شان را به کام مرگ فرستادند، از جان و مالشان دریغ نکردند و بزرگترین حرکت قرن معاصر را در این نقطه‌ی عالم به وجود آوردند. امام منهای خط امام، امام بی‌هویت است. سلب هویت از امام، خدمت به امام نیست. مبانی امام، مبانی روشنی بود. این مبانی - اگر کسی نخواهد مجامله کند، تعارف کند - در کلمات امام، در بیانات امام، در نامه‌های امام، و بخصوص در وصیتنامه‌ی امام - که کوتاه شده‌ی همهی آن مواضع است - منعکس است.» (۱۳۸۹/۰۳/۱۴)

۴-۳- تبیین رسیدن به عزت ملی از طریق خط امام(ره)

«باید یاد امام را زنده و نام او را بلند کنند. خط روشنی را که او ترسیم کرده است، برای افکار و اذهان تبیین کنند و بگویند که امام دنبال چه چیزی بود. بفهمانند که احکام اسلام و روحیه عزت اسلامی، آن دو نقطه روشنی

است که امام به دنبال آن بوده است. در داخل کشور ما نیز همین طور است. ملت ما اگر می‌خواهد این راه عزت را دنبال کند، باید یاد و نام امام را روز به روز زنده تر کند. اگر ملت می‌خواهد به برکت بازوان توانا و ابتکار و خلاقیت خودش، ایران را بسازد که مایه غبطه ملتها و کشورها باشد، باید روز به روز به دستورات امام بیشتر توجه کند.» (۱۳۷۵/۳/۱۶)

۴-۴- ایستادن در مقابل مخالفان خط امام

«با این روشی که امام در پیش گرفته بود و در گفتار و کردار او منعکس بود، نمی‌شود انسان خود را در خط امام بداند، دنباله‌رو امام بداند، اما با کسانی که صریحاً پرچم معارضه‌ی با امام و اسلام را بلند می‌کنند، خودش را در یک جبهه تعریف کند. نمی‌شود قبول کرد که آمریکا و انگلیس و سیا و موساد و سلطنت‌طلب و منافق بر روی یک محوری توافق کنند، حول یک محوری جمع بشوند، بعد آن محور باز ادعا کند که من خط امامم! این نمی‌شود، این قابل قبول نیست. نمی‌شود با هر کس و ناکسی ائتلاف کرد. باید ببینیم دشمنان دیروز امام در برابر ما چه موضعی می‌گیرند. اگر دیدیم مواضع ما جوری است که آمریکای مستکبر، صهیونیست غاصب، مزدوران قدرتهای گوناگون، مخالفین و معاندین امام و اسلام و انقلاب از ما تجلیل می‌کنند، احترام می‌کنند، بایستی در مواضعمان شک کنیم؛ باید بدانیم که راه درست و مستقیم را نمی‌رویم. این معیار است، این یک ملاک است. امام هم بارها بر همین تکیه می‌کرد. امام می‌فرمود - در نوشته‌جات امام وجود دارد، در اسناد قطعی فرمایشات امام این هست - که اگر از ما تعریف کردند، بدانیم که خیانتکاریم. این خیلی مهم است.» (۱۳۸۹/۳/۱۴)

۴-۵- مرور و تکرار اندیشه و ویژگی‌های شخصیتی حضرت امام

«آنچه هم در باب انقلاب و در باب امام گفته‌اند و گفته‌ایم و تکرار کرده‌ایم، باید مرور بشود، باید مجدداً تکرار بشود؛ چون اگر یک حقیقتی بارها تکرار نشود و با جزئیات و خصوصیات ذکر نشود، گمان تحریف این حقیقت بمرور وجود دارد.» (۱۳۹۶/۰۳/۱۴)

۴-۶- بازخوانی اصول حضرت امام

«آن راهی که می‌تواند مانع از این تحریف بشود، بازخوانی اصول امام است. امام یک اصولی دارد، یک مبانی‌ای دارد؛ این مبانی در طول ده سال دوران حاکمیت اسلامی و پیش از آن در طول پانزده سال دوران نهضت، در بیانات گوناگون بیان شده است؛ اصول امام را در این بیانات می‌شود پیدا کرد؛ این اصول را، این خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل خواهد شد؛ شخصیت امام این است.» (۱۳۹۴/۰۳/۱۴)

۴-۷- بیان صریح مواضع حضرت امام

«مواضع امام بایستی به طور روشن و واضح - همان طور که خود او گفت، همان طور که خود او نوشت - تبیین شود؛ این ملاک راه امام و خط امام و صراط مستقیم انقلاب است. یک نفر صریح می‌گوید من امام را قبول ندارم - این بحث دیگری است - خیلی خوب، پیروان امام و طرفداران امام با کسی که صریح بگوید من امام را قبول ندارم، راه او را غلط میدانم، حسابشان روشن است؛ اما اگر قرار است در خط امام، با اشاره‌ی انگشت امام، این انقلاب پیش برود، باید معلوم باشد، روشن باشد و مواضع امام بزرگوارمان بدرستی تبیین شود. ... امام را صریح باید آورد وسط میدان. مواضعش بر علیه استکبار، مواضعش بر علیه ارتجاع، مواضعش بر علیه لیبرال دموکراسی غرب، مواضعش بر علیه منافقان و دورویان را باید صریح گذاشت. کسانی که تحت تأثیر آن شخصیت عظیم قرار گرفتند، این مواضع را دیدند و تسلیم شدند. نمی‌شود به خاطر اینکه زید و عمرو از امام خوششان بیاید، ما مواضع امام را پنهان کنیم یا پوشیده کنیم یا آن چیزهایی که به نظرمان تند می‌آید، کمرنگ کنیم.» (۱۳۸۹/۰۳/۱۴)